



جشنواره فیلم فجر سر وقت برگزار می‌شود

اکران برای داوران

شکیبا افخمی **راد**: بعد از کش‌وقوس‌های فراوان بر سر برگزاری سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر، سرانجام سیدمحمدمهدی طباطبایی‌نژاد، دبیر جشنواره، دیروز در نشست مجازی از قطعی‌بودن برگزاری مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور در بهمن‌ماه امسال خبر داد. اما او برای نحوه برگزاری جشنواره ۳گزینه را مطرح کرد که براساس شرایط شیوع کرونا در بهمن‌ماه یکی از آن‌ها انتخاب خواهد شد.طباطبایی‌نژاد با بیان اینکه جشنواره در موعد مقرر برگزار می‌شود و در روز ۲۲بهمن‌ماه همه برگزاریدها اعلام می‌شوند، گفت: در وهله اول برپایی جشنواره فقط برای داوران این رویداد است، یعنی جشنواره هیچ نمایشی نخواهد داشت وداوران در بخش‌های مختلف فیلم‌ها را خواهند دید.اما اگر تا ۱۲بهمن‌ماه وضعیت شیوع کرونا بهبود یافت، آثار کاندیدای هیئت‌داوران از جمع فیلم‌های رسیده در بخش‌های گوناگون برای اهالی سینما و رسانه اکران خواهد شد و اگر شرایط بازهم بهتر شد، در مرحله بعد عموم مردم هم به‌شبهه ۵۰درصدی می‌توانند فیلم‌ها را ببینند.دبیر سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر با اشاره به حذف بخش فیلم‌های اول، درباره ویژگی‌های این دوره نیز توضیح داد: براساس فراخوان، هیئت‌داوران همه آثار واجد شرایط حضور در جشنواره از جمله فیلم‌های حرفه‌ای و فیلم‌های اول کارگردانان را در همه بخش‌ها داری می‌کنند.او درباره منتفی‌بودن بخش آنلاین جشنواره هم خاطر نشان کرد: برپایی جشنواره فیلم فجر به‌صورت آنلاین ممکن نیست. دراین‌مینه هم فکر شده بود، اما این تصمیم وجود ندارد فیلمی که در سامانه‌ها به نمایش دربیاید، به سرقت نرود. این ریسکی نامعقول برای فیلم‌های سینمایی بلند در ایران است.طباطبایی‌نژاد همچنین پیش‌بینی کرد بین ۴۰ تا ۵۰فیلم متقاضی حضور در بخش سودای سیمرغ شوند.او درباره شیوه‌هایی که بتواند به برگزاری جذاب جشنواره در شرایط موجود کمک کند نیز توضیح داد: تلاش خواهیم کرد امسال جشنواره و گفت‌وگو درباره آثار سینمای ایران را از طریق صداوسیما و پلتفرم‌ها رونق دهیم.

برگزاری نشست مؤسسه میراث مکتوب به یاد غلامحسین یوسفی

مردی برای آموختن

سمیرا شاهیان : ۱۴آذر سالروز درگذشت غلامحسین یوسفی، ادیب و نویسنده و مصحح‌متون است. این استاد برجسته ادبیات فارسی در سال ۱۳۰۶ در مشهد دیده به جهان گشود و سرانجام در سال ۱۳۶۹ پس از سال‌ها تدریس در دبیرستان‌های مشهد و همچنین تأسیس دانشکده ادبیات در دانشگاه فردوسی در سال ۱۳۳۴ و تدریس در آنجا، به دیارباقی شتافت.شنبه‌شب به این مناسبت، نشست برخطی با حضور چهره‌های شاخص دانشگاهی ایران برگزار شد.گریدهای از سخنان طرح شده در یکصدهوپهل‌ویکمین برنامه مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب رادر ادامه می‌خوانید.

در ابتدای این نشست که با همکاری مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی و مؤسسه فرهنگی خردسرای فردوسی برگزار شد، اکبر ایرانی، مدیر مرکز پژوهشی میراث مکتوب گفت: متوفیق داشتیم در سال ۸۸، هفتادوپنجمین نشست مؤسسه را به رونمایی از چ‌نامه غلامحسین یوسفی به‌گوشش دکتر یاحقی اختصاص بدهیم. هدف از انتشار این‌نامه، این بود که دانشجویان و علاقه‌مندان با روش تحقیق و تفحص او آشنا شوند و روش کاری این بزرگواران را متوجه‌شوند که چگونه بوده است. سپس سعید حمیدیان به صحبت درباره این ادیب پرداخت و گفت: سی‌سال رفت که عاشقان خوی‌دل‌اویز مرحوم یوسفی، چهره مهرپروور این استاد نادرالوجود را ندیده‌اند، اما مایه تسکین این درد این است که آثار فراوان ایشان از هر ژانر وجود دارد و می‌تواند آموزنده و الهام‌بخش شاگردان کوچکی از جمله‌امثال بنده باشد: درحقیقت اگر قرار باشد یک پیام از این بزرگمرد برای دوستداران ایشان عرض کنم، زنده‌یاد دکتر یوسفی در عالم ادب و هنر هیچ تفاوتی بین آثار اصیل هنری در هیچ‌جا نمی‌گذاشت؛ آثار ادبی اراصیل و ارزنده‌است در همه‌جا مقبول است. در ادامه، محمدفرهاد عطایی که نویسنده کتاب «منابع و روش تحقیق در ادبیات و فرهنگ ایران و تاریخ تصوف اسلامی» (سخت، ۱۳۸۸) است، گفت: دکتر یوسفی گذشته از جنبه ادبی، هنرشناس تراز اول بود. در جوانی حتی ساز می‌نواخت. به‌خصوص صاحب‌سبک وشبوه خاصی در آموزش بود. پژوهشگر توانا با دقت و انصاف علمی کم‌نظیر، نکته‌بینی خارق‌العاده بود. فعالیت او در همه زمینه‌ها و در همه کارهای اجرایی، از جمله ایجاد رشته کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه فردوسی و سردبیری و راهاندازی مجله ادبی و نقش مؤثر در ایجاد چاپخانه دانشگاه، نشان از وسعت کار مرحوم دارد.

محمدجعفر یاحقی، از برجسته‌ترین دلشجویان دکتر یوسفی که توفیق چند سال همکاری با او را نیز داشته، گفت: سال‌ها پیش در زمان حیات مرحوم خاطرهای از ایشان نوشتم که چه خوب است آموزش‌وپرورش تخصصی معلمان نمونه را تنظیم و چاپ کند و در اختیار معلمان و دانش‌آموزان قرار بدهد. این استاد دانشگاه گفت: دقت در امر چاپ کتاب‌ها و ویژگی‌های زنده‌یاد غلامحسین یوسفی بود. او زمانی که کتاب به دست مشتری می‌رسید همراه مشتری بود. بارها دیده‌بودم کارمند چاپخانه را می‌خواست و درباره فوت و سباز متن با هم صحبت می‌کردند: در بخش دیگری از این نشست، سروش یوسفی، دختر مرحوم گفت: چهاردهم آذر برای ما روز خوشایندی نبوده و نیست. همه می‌دانند که پدر من عشق بسیاری به فرهنگ ایران زمین داشت. از این رو، گاهی فکر می‌کنم چه بهتر که در این روزها نیستند و لطمه‌هایی که در زبان فارسی می‌خوریم، را نمی‌بینند.

تاریخ نشریات دانشجویی ایران در مشهد

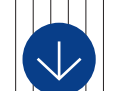
آرشبو مطبوعات آستان قدس رضوی با جمع‌آوری بیش از ۳۳هزار نسخه نشریات دانشجویی، عنوان بزرگ‌ترین و تنها آرشبو نشریات دانشجویی کشور را به‌خود اختصاص داده است. به گزارش خبرنگار ما به نقل از گنجینه رضوی، رئیس اداره مطبوعات آستان قدس رضوی با اشاره به اینکه نشریات دانشجویی موجود در آرشبو آستان قدس رضوی از ابعاد پنج سانی متر تا پنج متر (طومار) متغیر هستند، بیان کرد: بیشتر این نشریات به زبان فارسی است ولی نشریاتی نیز به زبان‌های عربی، انگلیسی، کردی، ترکی، روسی و اسپانیایی وجود دارد. به گفته ابراهیم حافظی در این آرشبو، نشریات دانشجویی منتشر شده از سوی ۷۴ دانشگاه ایران و ۴ دانشگاه از کشورهای آمریکا، آلمان، انگلیس و هند وجود دارد و شهرهای تهران، مشهد، بیرجند، تبریز، کرمان، یزد، خرم‌آباد، اصفهان، اهواز و شیراز بیشترین تعداد نشریات را به خود اختصاص داده‌اند.او با بیان اینکه نشریات دانشجویی در ایران قدمتی بالغ بر ۸۵ سال دارد، گفت: قدیمی‌ترین نشریه دانشجویی آرشبو کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی سالنامه‌ای بانام «مؤسسات علمی وفلاحتی کرج» است که در سال ۱۳۱۵ شمسی از سوی دانشجویان پایه دوم دانشکده فلاحت کرج به صورت سالانه، در تهران با موضوع کشاورزی و باغبانی منتشر شده است.حافظی یادآور شد: اطلاعات کتاب‌شناختی همه نشریات دانشجویی موجود در آرشبو، مطبوعات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی از طریق وبسایت کتابخانه به آدرس https://library.razavi.ir در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.



روزنامه شهرامید وزنگی

اشنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۹ ۲۰مهرماه۱۳۹۹ شماره ۳۳۶۶

۱۵



فرهنگ وهنر

گروه هنر

زندگی با موسیقی
رسیده‌ایم به آن روز پاییزی که دوتار نواز برجسته خراسانی، سازش را بر زمین نهاد و رفت. یک دوره طولانی بیماری برای «ذوالفقار» ی که ۹نسل پیش از خودش همگی با ساز انس داشتند، کافی بود تا نواحی مختلف خراسان از وجود او برای همیشه بی‌نصبب بمانند. زخمه‌زن فرمونی که، تنها نامش شهر یاری می‌کرد، در هشتادودو سالگی (در سال ۱۳۹۳) از میان مارفت و دوتار نوازی به سبک و سباق «عسگریان» ها را با نامی نیکو برای نسل‌های بعد از خودش به یادگار گذاشت. اما در ششمین سالروز درگذشت این استاد فقید باخبر شدیم که از ذوالفقار یادگاری دیگر نیز به‌جای مانده و آن هم ۷۰نوار کاست از آثار موسیقایی اوست، و خبر خوش اینکه قرار است تمام این گنجینه گوشنواز به‌زودی با کیفیت بالا صدابرداری شودو در دسترس علاقه‌مندان به موسیقی ایران و خراسان قرار بگیرد.

● ساز و نای بزرگان را در کیسه‌اش می‌ریخت ذوالفقار عسگریان، میراث‌دار حافظه تاریخی ۹نسل نوازندگی، در کارش بالا مرتبه بود و خویش فروتن. از سال ۶۳ در مشهد ساکن شده بود؛ در شهرک شهید رجایی مرحوم استاد عسگریان نشان بارز سخن شاعر پارسی زبان، فردوسی نیکو سخن بود؛ پسر گو ندارد نشان از پدر... او نواسته بود نای مناطق خراسان، آوای ترک‌ها و فارس‌ها و کرمانج‌ها را در خود نهاده‌یاد کند و دوتار خراسانی را از بین ۷ تا ۹ پرده به ۱۹ پرده برساند.

عالم دو تار برای او آن قدر گسترده و بی‌کرانه می‌نمود که رنج سفر با قاطر و اسب را پیش خشمانش کوچک کرده بود و هر زمان می‌شنید از خطه‌ای صدای نوازنده‌ای مقامی بلند شده است، بار سفر

می‌بست و راهی می‌شد. او روزی‌اش را در سفرها به دست می‌آورد. کاسه ساز برای «ذوالفقار» مشتاق، همان کیسه بزرگی بود که در سفرها پُر از متاع و یادگاری می‌شد. و او ساز و نواهای پورعطایی‌ها و دُرپورها و غفاری‌ها و کریمی‌ها را در کیسه‌اش می‌ریخت. برای شاگردی که هم‌نشینی با استادها را تنیعت می‌شمرد، نبود امکانات، مانع محسوب نمی‌شد. محسن، پسر بزرگ استاد، حرف‌های پدر را روایت می‌کند: ما از بیرجند بار می‌کردیم، می‌رفتیم به تربت جام که نورمحمد دُرپور را ببینیم. با می‌گفتند مثلاً غلامعلی نامی پیدا شده که خوب می‌خواند، باز اسباب سفر بار و الاغ می‌کردیم، می‌رفتیم که استاد پورعطایی را ببینیم.

هنوز قصه‌های زندگی پدر که اجازه نداده است نبود امکانات او را از رسیدن به استادان بزرگ بازدارد، در خاطر محسن مانده است؛ پدر برایش می‌گفته است: ما باید گیوه به پا می‌کشیدیم و رُخ به آفتاب می‌سپردیم تا برویم جایی که خواننده خوبی پیدا شده بود. می‌کند و باعث افتخار است برای ما که ادامه‌دهنده این راه باشد.



پسر م در زمان شما این طور نیست؛ شما اسارت ماشینت را بزنی، می‌روی پیش خواننده خوبی که آوازهاش به گوش همه رسیده است.

● تو به تراز من خواندی

خاطره‌بازی برای فرزند دوتار نواز بزرگ خراسانی، کسی که دیپلم افتخار چهار دوره جشنواره موسیقی فجر را از آن خود کرده بود؛ تنها سیر کردن در گذشته نیست، بلکه می‌تواند به منظور تداعی تجربه‌های شگرف و آموختن درس‌های بی‌انتهای باشد. پسر مرحوم عسگریان از اجرای مشترک خودش با پدرش تعریف می‌کند: در جهاد دانشگاهی مشهد یک اجرای مشترک داشتیم که حالت جواب سلام داشت.

هر دو دقیقه با پدر در دوتار نوازی، پاس‌کاری داشتیم. تعریف از خود نباشد؛ وقتی من اجرا می‌کردم تماشاچیان، بیشتر تشویق می‌کردند. بعد از آن اجرا، پدرم پشت صحنه آمد و گفت تو بهتر از من خواندی. مردم، کارِت را دوست داشتند. این سخن پدرم را اکنون در دست می‌کنم که بسرم، ابوالفضل نوازندگی می‌کند و باعث افتخار است برای ما که ادامه‌دهنده این راه باشد.

● بابا! نگذار اسمم فراموش شود

آن زمان که «نوبی نوایی» پورعطایی، ذوالفقار را در مسیر سفرهای پُر از رنج می‌گذاشت یا در آن غروب‌های صحرا که نای زخمه‌های ذوالفقار درون چادر عشاریه با می‌شد، آن قدر دور و دراز است که تصور کنیم آثار استاد عسگریان، هم روی نوار کاست ضبط شده است و برای آنکه نسل فعلی بخواهند از آن‌ها استفاده کنند نیاز به هزینه دارد تا به‌روز شود. اما پسر مرحوم استاد عسگریان می‌گوید: هنوز متأسفانه این اتفاق نیفتاده است. از اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی هم متأسفانه اقدامی نکرده‌اند. اما حسینعلی مردان‌شاهی، سرپرست گروه فردای جام قرار است تبدیل نوار کاست‌ها به سی‌دی یا دی‌وی‌دی را انجام دهد.

آخرین خاطره از آخرین اجراست برای پُرسی که فرزند استادی بزرگ، اما مردمی بود: در مراسم مرحوم استاد پورعطایی با هم ساز زدیم؛ پدرم برای استاد کریمی و بنده برای استاد بُر‌نا نواختم.

محسن از استادش، پدرش و هویت دوتار نوازی ایران زمین یاد می‌کند که در: خانه‌اش حتی به روی بچه‌های افغانستانی

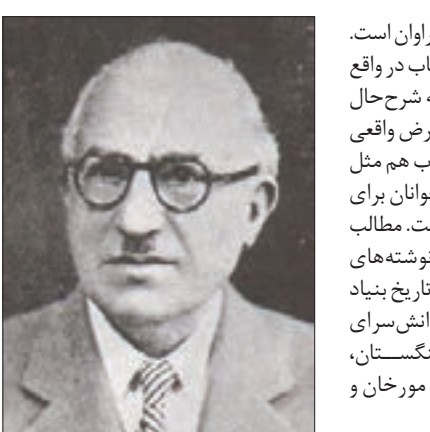
خصوص ترجمه طنز باشد. خزان‌ی فر تأکید کرده که مجله طنزآور به جایی وابسته نیست و از تمام طنزنویسان کشور، دعوت به همکاری کرده است. اما رویا صدر، پژوهشگر و نویسنده طنز پر از معاصر ایرانی که یکی از نویسندگان این نشریه نیز هست، در معرفی فصلنامه طنزآور با اشاره به شعار نشریه نوشته است: هستی انسان بنا به تعریف ارسطویی، با خنده گره خورده؛ انسان می‌خندد، پس هست! نشانه‌اش در این روزهای سخت کرونایی، حجم عجیب آفرینش طنز در فضای مجازی است؛ باشد که روح و روان در سایه خنده و طنز دمی بیاساید، نفسی تازه کند و شرایط را قاب آورد.

نویسنده کتاب «بیست سال با طنز» همچنین بیان کرده است مطالب نشریه «طنزآور» در قالب شعر، داستان کوتاه و مقاله طنز ارائه شده‌اند که این وجه ادبی، در سابقه نشریات طنز کشور، کم‌نظیر است. او گفته است به طور معمول نشریات طنز به‌عنوان یک جریان مطبوعاتی، بر خورد روزآمد با رخداد های

نخستین شماره نشریه طنز ادبی «طنزآور» با شعار «می‌خندم، پس هستم»، در مشهد منتشر شد. علی خزاعی فر که نزدیک به ۳۰سال، انتشار فصلنامه مترجم را در مشهد، به عهده دارد، این فصلنامه طنز ادبی را با مطالبی در حوزه شعر و داستان و ترجمه روانه بازار کرده است. او در پیامی گفته است در عرصه مطبوعات جای مجله‌ای ویژه طنز ادبی را خالی می‌دانسته و مهم‌ترین هدف این نشریه را جلب توجه طنزنویسان داخل کشور برای تولید طنزی ماندگار و انعکاس‌دهنده دردهای این نسل بیان کرده است.

به گفته استاد دانشگاه ترجمه پژوهی دانشگاه فردوسی مشهد، در این نشریه به دنبال معرفی درست طنز دیگر ملل با همکاری بهترین مترجمان کشور هستند.

او همچنین بیان کرده است از آنجا که طنز با زبان پیوندی تنگاتنگ دارد هدف دیگر این نشریه تقویت زبان خلاقی است که میراث طنزنویسان بزرگ پیشین است. زبانی که می‌تواند الگویی تقلیدی برای تألیف و به



فردی بود که از واژه «دانشگاه» به‌جای «دارالفنون» استفاده کرد و در امر تدوین سازمان آموزش بسیار کوشید. به‌واقع

هم زمان با ششمین سال درگذشت ذوالفقار عسگریان پسرش محسن از انتشار آثار این خنیا گر خبر می‌دهد

احیای گنجینه ذوالفقار



دوستدار دوتار که در شهرک شهید رجایی گاری نمکی می‌چرخاندند، باز بود. آن‌ها را به حیاط خانه می‌خواند، برایشان ساز می‌زد و تحویلشان می‌گرفت. نصحیتش به من این بود موسیقی نباید تمام شود. می‌گفت، بابا تا می‌توانی نگذار اسمم فراموش شود.

● به دنبال صدابردار حرفه‌ای هستیم

پیرو سخنان محسن عسگریان به سراغ حسینعلی مردان‌شاهی سرپرست گروه موسیقی فردای جام می‌رویم. او می‌گوید ۲۰ساعت از هنرنمایی ذوالفقار ازسوی پسر او محسن ضبط و نگهداری شده است که ما تصمیم گرفت‌ایم آن‌ها را روی سی‌دی ضبط و در دسترس علاقه‌مندان قرار دهیم. این استاد موسیقی می‌گوید در صورتی که یک صدابردار حرفه‌ای برای همکاری در این پروژه اعلام‌امادی کنددر آینده‌ای نزدیک این آثار منتشر می‌شود.

به نظر مردان‌شاهی اگر موسیقی خراسان کسی مثل ذوالفقار را از دست داد اکنون باید قادران پسرش محسن بود؛ محسن عسگریان با توجه به اینکه بسیار شبیه پدرش می‌زند اما موسیقی را کبیه نمی‌کند او به‌دنبال این است که محسن عسگریان باشد نه ذوالفقار عسگریان.

اجتماعی و سیاسی و پاسخگویی به نیاز آتی مخاطب را منتشر می‌کردند. از این رو کوشش «طنزآور» برای بازتاب دغدغه‌های انسان‌ها در قالب‌های ماندگار طنز، امری قابل اعتنا و مبارک است.

صدر همچنین بیان کرده است که بخش مهمی از این نشریه به طنز ملل اختصاص دارد و در این شماره، در دو مقاله مستقل به بررسی ویژگی‌های طنز در اتحاد جماهیر شوروی و طنز انگلیسی پرداخته که هردو بسیار خواندنی است. اما در نخستین شماره فصلنامه طنزآور نام افرادی شناخته شده همچون بهاء‌الدین خرمشاهی، رویا صدر، محمود فتوحی، رودمجنی، احمد پوری، علی عبداللهی و ... در کنار نویسندگان خارجی همچون مارک تواین، ایتالو کالوینو، دیوید سداریس و ... آمده است. همچنین جلد این نشریه یکی از طرح‌های قدیمی کارتونبست پیشکسوت کامیوز درم‌بخش است.

«طنزآور» در ۱۳۰ صفحه و با قیمت ۳۰ هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان است.

نقش آوزیر معارف برای پیشرفت نظام آموزشی در سال‌های حکومت پهلوی انکارناپذیر است، یکی علی‌اصغر حکمت و دیگری عیسی صدیق.

صدیق در امر تعلیم و تربیت در سامان‌دهی نظام آموزشی گیلان و تبریز و تأسیس دانشگاه در آن‌ها نیز بر تـلاش بود، به‌شکلی که در کتاب «ایران مدرن و نظام آموزشی» اش می‌گوید، تلاشش برای نوزایی است، نه برای اینکه ایران غربی شود، بلکه برای اینکه ایران راستین قرن بیستم شود.

جالب اینکه دوران دانش‌آموزی عیسی صدیق با مرارت‌ها و تلخ‌کامی‌های زیادی همراه بود. پدرش، از ترس اینکه مبادا فرزندش از مسیر دین خارج شود، همواره با تحصیل وی در مدارس سبک خارج حتی دارالفنون و تحصیل او در خارج از ایران مخالف بود، ولی وی یکی از تأثیرگذاران آموزش جدید شد و تا آخر هم دین‌دار ماند.

در نهایت شرح اتفاقات زندگی و وقایع فرهنگی زمانش را به تأثیر و پیروی از استادش، یحیی دولت‌آبادی، نویسنده کتاب «حیات یحیی»، نوشت که «یادگار عمر» ارزنده و پر بار اوست.

یادگار عمر صدیق

به مناسبت سالروز درگذشت عیسی صدیق، ادیب و پژوهشگر ایرانی

بررنگی در تأسیس فرهنگستان ایران داشت و از همان اوان عضو پیوسته فرهنگستان و یکی از پایه‌های فرهنگی ایران بود. او همچنین در سال ۱۳۱۹ اداره کل انتشارات و تبلیغات و رادیو را تأسیس کرد. صدیق میان‌سال اما به‌تـنـساب از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ بیشتر از همه در سمت وزیر فرهنگ و مشغول رتق ورتق امور فرهنگی بود. مؤسس دانشگاه تهران در نهایت در ۱۶آذر ۱۳۵۷ در تهران درگذشت.

جلال‌الدین همایی، ادیب و نویسنده، عیسی صدیق را از پیش‌قدمان و پایه‌گذاران فرهنگ جدید ایران پس از عهد مشروطه می‌داند که در تعلیم فرهنگ و پیشه‌معلمی هم نقشی گران‌سنگ داشت. همایی در توصیف کتاب «یادگار عمر» به قلم صدیق می‌گوید: کتاب «یادگار عمر» با نثری ساده و شیرین انشا شده و در خلال

یادبود

عیسی صدیق ظهر یکشنبه ۲۸خرداد ۱۳۷۲ خورشیدی در تهران به دنیا آمد. مادرش دخدیه بیگم و پدرش عبد... شاملو، ملقب به صدیق‌التجار

اصفهان‌سی، از نوادگان میرزا مهدی‌خان استرآبادی، منشی و مورخ زمان نادرشاه، بود. عیسی‌ای جوان پس از تحصیل در دارالفنون بسا گواهی وزارت معارف و اوقاف و قواید عامه راهی اروپا شد و در دوران اقامتش در فرانسه، برای فراگیری زبان به مطالعه متون ادبی و تاریخی سر پرداخت. بعد از پایان تحصیل به انگلستان سفر کرد و با مشاهیری مانند برتراند راسل و ادوارد براون آشنا شد. وی در سال ۱۲۹۷ به ایران بازگشت. عمری فعالیت علمی و اجتماعی موجب شد تا به دعوت کشور آمریکا در دانشگاه کلمبیا به مطالعه و تحقیق مشغول و در نهایت موفق به دریافت مدرک دکترا در شاخه فلسفه از این دانشگاه شود. وی در سال ۱۳۱۰ دوباره به ایران بازگشت و برای تأسیس دانشگاه در تهران مأمور شد و در سال ۱۳۱۴ نقش